

در همه صفحات تاریخ هیچ تمدنی مسحورکننده تر از بابل وجود ندارد. شکوه و ثروت سحرآمیزی در آن نهفته است. خزانه های طلا و جواهرات آن افسانه وار است. طبیعتاً تصویری که از این شهر در نظر شکل می گیرد ، شهریست ساخته شده در منطقه خوب جغرافیایی که در بین منابع طبیعی عالی و معادن غنی بنیان شده. ولی اینگونه نیست.

این شهر در حوالی رودخانه فرات در یک دره صاف لم یزرع ساخته شده، نه جنگلی، نه معدنی و نه حتی سنگی برای خانه سازی وجود داشت. حتی در کنار یک راه تجاری ساخته نشده بود. حتی میزان بارش باران برای یک کشاورزی خوب مناسب نبود. بابل مثالی برجسته از دستاوردهای بشری با استفاده از منابع صرف انسانی است. همه منابعی که این شهر را گسترش می دادند توسط بشر توسعه می یافتند. تمام غنای این تمدن حاصل دسترنج بشر بود.

حکمرانان برجسته بابل بخاطر خرد و عمل و عدالتشان در تاریخ باقی ماندند. بابل هیچگاه شاهان خرامانی را در دامان خود پرورش نداد که همواره زمزمه تصرف دنیا را در سر داشته باشند، چیزی که بسیاری از ملتها به آن در تاریخ خود می بالند. بابل به عنوان یک شهر، دیگر وجود خارجی ندارد. وقتی که آن قدرتهای انرژی بخش بشری که تمدن را ساختند و از آن نگهداری کردند، کنار گذاشته شدند، شهر به خرابه تبدیل شد.

ثروتمند ترین مرد بابل

پول واسطه ایست که موفقیت زمینی با آن ارزیابی می شود پول لذت بردن از بهترین نعماتی را که زمین در خود جای داده فراهم می سازد پول برای کسانی که قوانین ساده مدیریت بدست آوردنش را فراگرفته اند فراوان است.

پول امروزه با همان روشهایی که مردان مرفه خیابانهای بابل شش هزار سال پیش آن را مدیریت می کردند، مدیریت می شود.

"ثروت مثل یه درخت، از یه دونه کوچیک شروع به رشد میکنه، اولین سکه ای که پس انداز میکنی، اون دونه ای به که درخت ثروتت از اون شروع به رشد میکنه. هر چه زودتر اون دونه

رو بکاری، اون درخت زودتر شروع به رشد میکنه. و هرچه با ایمان تر، با پس اندازهای همیشگی و مداوم، بهش غذا و آب بدی، زودتر، با رضایت خاطر زیر سایش، حمام گرم ملایم افتاب میگیری.

قدرت اراده چیزی نیست جزیه تصمیم پایدار تا انجام کاری رو که برای خودت در نظر گرفتی، به پایان برسونی. اگه وظیفه ای رو برای خودم تعیین میکنم؛ هر چقدر خرد و کوچک، باید تا انتها انجامش بدم چجوری باید اعتماد بنفس انجام کارهای بزرگ رو بدست بیارم؟ مثلا اگه به خودم میگم، برای صد روز، وقتی از روی پل به سمت شهر میرم، از روی زمین به سنگ کوچیک بردارم و توی رودخونه بندازم، اون کار رو انجام میدم.

شروع به پرپول کردن کیف

حقیقت همیشه ساده است، به شما گفتم که چگونه آینده ام را ساختم. این اولین کار من بود. من نیز یک کیف خالی برداشتم و به آن ناسزا گفتم، زیرا چیزی در آن برای ارضای اهدافم وجود نداشت. ولی وقتی که شروع کردم فقط نه تا از ده سکه ای را که درون آن می گذاشتم خرج کنم، شروع به پر شدن کرد. کیف شما هم همینگونه می شود.

"شما بیشتر کدام را می پسندید؟ آیا آرزوهای روزانه شما اینهاست: جواهرات؟ زرق و برق؟ جامه و لباس؟ غذای بیشتر؟ چیزهایی که زود می روند و فراموش می شوند؟ یا آرزوی دارایی های اساسی را دارید، مثل طلا، زمین، گله، مال التجاره و سرمایه گذاری های درآمدزا؟ سکه هایی که اول از کیف خود در می اورید (نه دهم درآمد)، گروه اول را برای شما به ارمغان می آورند و سکه هایی را که در کیف خود باقی می گذارید (یک دهم درآمد) گروه دوم را به شما تقدیم می کنند.

تکثیر کردن دارایی ها

"وقتی که میبینید کیف خالی در حال پر شدن است، به خودتان نظم میدهید تا حتما یک دهم درآمدها را درون آن بگذارید. هزینه ها را کنترل میکنید تا از خزانه در حال رشد خود، محافظت کنید. در قدم بعد، به شناخت مفهوم به کار گماردن خزانه و افزایش آن میپردازیم.

به سایت ما وارد شوید و بهترین و به روز ترین کتاب ها را از همه جا ارزان تر تهیه کنید

پول درون کیف، برای نگهداشتن لذت بخش است و یک روحیه خسیس را ارضا می کند ولی هیچ درآمدی ندارد. سرمایه ای که ما از درآدمان پس انداز میکنیم، فقط شروع است. درآمدی که این سرمایه میسازد، آینده ما را شکل میدهد."

درآمدی را برای آینده خود تضمین کنید

«اگه سال ها رو بیخیال بگذرونی و هیچ تلاشی رو برای پرداخت بدهی هات نکنی، روح یه برده رو داری. مردی که تتونه به خودش احترام بذاره مرد نیست. و هیچ کس بدون پرداخت بدهی هاش نمیتونه به خودش احترام بذاره».

تحت مشاوره دوست خوبم ماتون، قرض دهنده طلا، مصمم هستم که، برنامه دقیقی را تعقیب کنم که به گفته وی، هر انسان لایقی را، از قرض بیرون میکشد، و هدفدار میکند و به او عزت نفس میبخشد.

بنابراین، یک دهم از همه درآمدم را در گوشه ای برای خودم، نگه میدارم.

دوم برنامه ای که، متضمن تامین همسر باوفایم که از خانه پدرش نزد من برگشته، باشد. چون ماتون گفت مراقبت از یک زن باوفا، به قلب یک مرد، عزت نفس میدهد و قدرت و اراده را به تصمیمهایش می افزاید.

"بنابراین، هفت دهم از درآمدم باید صرف تامین خانه، غذا، پوشاک، و کمی تفریح باشد تا زندگی مان دچار کمبود شادی و نشاط نشود. ولی او همچنین سفارش کرد که خیلی مواظب باشیم که بیشتر از هفت دهم درآدمان را برای این هدف خرج نکنیم. نکته موفقیت برنامه همین است."

"همواره باید بر اساس این تقسیم بندی زندگی کنیم و هیچگاه نباید هزینه ای را خارج از این برنامه ریزی انجام دهیم".

نتیجه گیری

این برنامه بود که باعث موفقیت من شد. مرا توانا کرد تا هم بدهی هایم را بپردازم، هم کیفم را پر از طلا و نقره کنم. پس این برنامه را به همه کسانی که قصد پیشرفت دارند توصیه میکنم. زیرا وقتی به یک برده کمک میکند تا همه بدهی هایش را بپردازد و کیفش را هم پر از طلا و نقره کند، به دیگران هم میتواند این کمک را بکند تا آزاد و مستقل زندگی کنند. من اکنون نیز این برنامه را متوقف نکردم زیرا معتقدم که اگر آن را ادامه دهم، مرا بین مردم، ثروتمند میکند.